



نقش آفرینی منحصص به‌فرد

من حرف عمده‌ام امروز توجه به مسئولیت‌معلمی و مسئولیت‌استادی‌است؛ این عرض عمده ما است. بالاخره استاد در محیط دانشگاه نقش آفرینی منصرف به فردی دارد. گمان نشود که حالا این جوان‌ها هر کدام یک حرفی دارند، یک فکری دارند نه، شما اثر گذاری در روح جوان، در دل جوان، در فکر جوان، او را وادار به فکر می‌کنید، وادار به حرکت می‌کنید؛ خیلی می‌توانید اثر بگذارید. نقش استاد دانشگاه و معلم جوانان دانشجو، یک نقش کم‌نظیر و بی‌بدیلی است. اگر استاد احساس مسئولیت داشته باشد، متعهد باشد، مثبت‌اندیش باشد، امیدوار باشد، عزم و نیت قاطع برای اقدام در کشور داشته باشد، این در دانشجو اثر می‌گذرد. اگر استاد معتقد به اصالت‌های میهنی خودش، اصالت‌های سرزمینی خودش باشد، معتقد به مبانی دینی خودش باشد، معتقد به مبانی انقلابی خودش باشد، در دانشجو اثر می‌گذارد. عکسش هم همین‌جور است؛ استادی که نگاهش به بیرون از مرزهاست، هیچ اعتقادی به محدوده کشور و مفاهیم رایج کشور و مفاهیم معتبر هویت قومی خودش ندارد و بی‌اعتناست، طبیعاً همان‌جور دانشجو بی‌ارتبیت می‌کند. این را ما در یک دوره‌ای مشاهده کردیم؛ حالا دیگر می‌خواهم وارد بحث بشوم؛ در یک دوره بسیار تلخی – در اوایل دوره پهلوی – این را در کشور دیدیم که چه‌جور استادی، چه‌چور شاگردانی تربیت کردند، چه نسلی به وجود آمد که اگر انقلاب نمی‌شد، خدا می‌داند که آن نسل به کلی تهیدست از همه اصالت‌ها –اصالت‌های دینی و وطنی و ملی و هم‌چیز و – آنهایی که داشتند و می‌آمدند، چه بر سسر این کشور می‌آوردند. انقلاب واقعا نجات داد کشور را؛ از این بعد که آن تربیت‌شده‌ها، آن نسلی که در آن مجموعه و در آن دانشگاه و در آن محیط تربیت شده بودند، خدا می‌داند که چه می‌کردند با این کشور اگر می‌خواستند سر کار بیایند، خب، بنابراین حرف ما این است؛ ما راجع به استاد می‌خواهیم صحبت بکنیم.

۲۱ خرداد ۹۶

تربیون دانشجویی

امسال که گذشت

سال بعد را در یابید!

حامد صدقات*

گرمای تابستان به اندازه کافی انرژی از آدم‌ها می‌گیرد و درس خواندن در گرمایی که انسان را کلافه می‌کند سخت به نظر می‌رسد. چند سالی است به فضای گرم تابستان و امتحانات پایان ترم دانشجویان، ماه مبارک رمضان نیز اضافه شده که باعث می‌شود دانشجویان انرژی بیشتری را در طول روز برای درس خواندن از دست بدهند و به علت واقع شدن ماه مبارک رمضان در ایام امتحانات مشاهده می‌شود دانشجویان به علت روزه‌داری برای انرژی داشتن و خوب درس خواندن با مشکلات زیادی مواجه‌اند و حتی برخی به خاطر عدم بر خورداری از تغذیه مناسب و ناتوانی دانشگاه‌ها از ارائه تذیه مناسب به دانشجویان، از روزه گرفتن برای کسب نتیجه بهتر در امتحانات خودداری می‌کنند. حال سؤال اینجاست که اگر مسئولان آموزش عالی و دانشگاه‌های کشور با اندکی توجه به مسئله ماه مبارک و تقویم و فشاری که به دانشجویان برای درس خواندن می‌آید در برنامه‌ریزی منصف عمل کنند چه خلی در سیستم آموزش عالی پیش می‌آید؟

اما مسئله به همین جا ختم نمی‌شود، برغم اینکه در چند سال گذشته ماه مبارک رمضان فقبل و قعد با مصادف ایام امتحانات شده است و مسئولان انعطافی در برنامه آموزشی و امتحانات پایان ترم انجام ندادند، متأسفانه در اقدامی تعبیرانگیز در برخی از دانشگاه‌های کشور سبب بروز بعد از شب‌های قدر برنامه امتحانی را برگزار کردند و حاضر نشدند تا توجه به مصادف بودن برخی از امتحانات با روز بعد مراسم آحیا آن امتحانات را جای‌به‌کنند. حال آنکه در سال‌های گذشته شاهد بوده‌ایم که برنامه امتحانی دانشگاه‌ها به علت مصادف شدن با یازی‌های جام جهانی یا انتخابات ریاست جمهوری تغییر کرده است در صورتی که این رویدادها هیچ تأثیر منفی‌ای نمی‌توانستند داشته باشند که دانشگاه‌های خاطر آن برنامه خود را تغییر دادند. حال سؤال اینجاست که آیا ماه مبارک رمضان که یک مناسبت اسلامی مهم است آنقدر برای مسئولان آموزش عالی کشور اهمیت نداشته است که حاضر باشند برای آنکه دانشجویان مسلمان راحت‌تر روزه بگیرند چند صیاحتی در برنامه امتحانی را به تعویق بیندازند؟

متأسفانه ما تنها و تنها دم دانشگاه اسلامی می‌زیم و در عمل آنچه که در دانشگاه‌های ما اتفاق می‌افتد هیچ تناسبی با اسلام ندارد. بخش عظیمی از برنامه‌های فرهنگی دانشگاه‌ها به متأسفانه هیچ نسبتی با اسلام ندارد، خبری از برنامه‌های درسی که با گذشت بیش از سه دهه از انقلاب قرار بود موجبات اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها را فراهم آورد نیست و حالا از همه مهم‌تر مسئولان دانشگاهی حتی حاضر نیستند برنامه‌های دانشگاه‌ها را با رویدادهای مهم اسلامی که وسعت جهانی دارند تنظیم کنند تا دانشجویان راحت‌تر به امور شرعی خود بپردازند.

به هر حال امسال که گذشت امیدواریم این روند اصلاح شود و مسئولان برنامه دانشگاه‌ها را متناسب با رویدادهای مهم اسلامی تنظیم کنند.

***فعال دانشجویی دانشگاه تفرش**

دانشگاه

حذف پایان‌نامه کارشناسی با کدام منطق؟

راهکار مقابله باتقلب حذف پژوهش‌نیست



در نگاهی آسیب‌شناسانه به حوزه آموزش عالی کشور، در کنار معضلاتی چون عدم از تباط عمیق صنعت و دانشگاه، وابستگی بیش از حد بودجه دانشگاه‌ها به منابع دولتی و عدم تأکید بر مهارت‌آموزی دانشجویان، مسئله تقلب علمی را نیز می‌توان در کنار آن سه معضل ذکر شده به عنوان چهارمین چالش اصلی موجود در نظام آموزش عالی کشور ذکر کرد. بحث ما در این مجال اما در حوزه تقلب علمی، پایان‌نامه‌فروشی و بازار سیاه خرید و فروش مدارک و تحقیقات علمی در کشور است. در اینکه این مسئله به عنوان معضلی در متن جامعه علمی کشور مطرح است، بحثی وجود ندارد و اثبات آن نیز چندان سخت نیست. کافی است سری به خیابان‌های اطراف دانشگاه تهران – به عنوان نماد آموزش عالی کشور– بزنید و دیوارنوشته‌های تبلیغاتی موجود را مرور کنید تا از عمق فاجعه آگاه شوید.

سؤال این است که راهکار مبارزه با این زخم ناسور چیست؟

دی ماه سال ۹۲ بود که دکتر سعدهالله نصیری قیداری، معاون پارلمانی وزارت علوم در گفت‌وگو با رسانه‌ها گفت: «لایحه برخورد با تقلب در پایان‌نامه‌ها، برای دولت ارسال شده و بعد از کار در کمیسیون‌های تخصصی به مجلس ارسال خواهد شد». براساس این شیوه‌نامه، نحوه عملکرد دانشجویان و اساتید در رابطه با تنظیم مقالات و پایان‌نامه‌ها تدوین شده است و اگر تخلف صورت گیرد با آنها برخورد می‌شود. «لایحه مذکور از قرار معلوم اما هنوز تبدیل به قانون رسمی نشده است. مسئولان اما ظاهراً چاره دیگری نیز برای برخورد با تقلب علمی اندیشیده‌اند. راهکاری که حالا کم‌کم در حال جدی‌تر شدن است: «حذف پایان‌نامه دوره کارشناسی»

دی ماه ۹۵ بود که محمدرضا مجرب ذوقلی پس از حضور در جلسه ۷۹۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی، در جمع خبرنگاران حاضر شد. اظهار داشت: «باید در خصوص وضعیت پایان‌نامه‌ها در کشور برخی مقررات تغییر کند به‌ویژه در مقطع تحصیلی کارشناسی ضرورتی به تهیه پایان‌نامه وجود ندارد. این موضوع مورد تأکیدوزارتخانه‌های علوم و بهداشت و دانشگاه آزاد بود و ابلاغ آن نیز در جلسه آینده صورت خواهد گرفت.» وی یکی از دلایل تقاضا برای خرید پایان‌نامه را اجبار دانشجویان مقاطع مختلف برای اخذ واحد پایان‌نامه دانسته و حذف پایان‌نامه مقطع کارشناسی را راهکاری برای این موضوع اعلام کرده بود. ارائه چنین پیشنهادی را شاید بتوان از زوایای مختلف مورد بررسی قرار داد. با این حال، مهم‌ترین

نتیجه چنین پیشنهادی را می‌توان حذف جدی‌ترین فرصت پژوهش موجود از دوره کارشناسی تلقی کرد. امروزه اهمیت موضوع پژوهش در پیشبرد اهداف بلندمدت صنعت، کشاورزی، خدمات و بخش‌های مختلف جامعه بر کسی پوشیده نیست. طبیعتاً مهم‌ترین نهاد مجری این پژوهش در سطح کشور، دانشگاه است. دانشگاهی که باید با سامان دادن روابط خود با صنعت، زمینه تجاری‌سازی نتایج پژوهش‌های محققان خود، اشتغال‌زایی و ارزش‌افزینی اقتصادی و فرهنگی مدلوم را در سطح ملی فراهم کند. حالا قرار است به جای چاره‌اندیشی جهت برخورد جدی و سازمان‌یافته با تقلب علمی، فرصت انجام پژوهش از بخش اعظم دانشجویان کشور گرفته شود! مسئله‌ای که می‌توان از آن به رها کردن ریشه‌های اصلی معضل تقلب و قطع شاخه‌های میوه‌دار درخت دانشگاه، تعبیر کرد. البته هرما این نیست که فرآورده پایان‌نامه دانشجویان مقطع کارشناسی، حتماً تجاری‌سازی نتایج آنهاست. دانشجویان مقطع کارشناسی با ارائه پایان‌نامه، بیشتر با روش انجام یک پژوهش جدی آشنا می‌شوند. نتایج معدودی از این پایان‌نامه‌ها نیز ممکن است در عرصه تجاری‌سازی به کار آید.

با این حال، سؤال این است که ما چرا باید این فرصت را از دانشجویان دوره کارشناسی دریغ کنیم؟ به راستی، آیا روش علمی‌تری برای برخورد با تقلب علمی وجود ندارد؟ محمدعلی برخورداری، رئیس دانشگاه علم و صنعت در

همین زمینه، با انتقاد از طرح مذکور، حذف واحد پایان‌نامه از دوره کارشناسی را اقدامی نامناسب خوانده، خواستار حل ریشه‌ای موضوع فروش پایان‌نامه شده است. وی تقاضا برای خرید و فروش پایان‌نامه را ناشی از مشکلات معیشتی اساتید دانسته، می‌گوید: «باید این فرهنگ در جامعه ترویج شود که خرید پایان‌نامه از فروش آن به مراتب زشت‌تر باشد.» دیگر چهره‌های مطرح عرصه آموزش عالی کشور نیز روی خوشی به این مسئله نشان نداده‌اند. سؤال این است که آیا به راستی، مسئولان آموزش عالی و دانشگاه‌های کشور از نظرات جدی در محتوای ارائه شده از سوی دانشجویان خود عاجزند؟ و اگر جواب، مثبت است، چرا؟

ما در عصر اطلاعات زندگی می‌کنیم و با وجود امکانات ارتباطی متعدد و قدرتمند، تشخیص تقلب علمی در یک اثر پژوهشی، ابدأ سخت نیست. با این شرط که البته زیرساخت‌های تشخیص آن را از قبل مهیا کرده باشیم. به عنوان مثال؛ پایگاه اینترنتی Arxiv منتشرکننده مقالاتی در زمینه فیزیک، علوم ریاضی و کامپیوتر است. از اگوست ۲۰۱۱ پایگاه یک پزوهش جدید برای به‌طور خودکار مقالات منتشر شده در این پایگاه را بانک اطلاعاتی خود که شامل مقاله‌های منتشر شده پیشین در این پایگاه است، مقایسه و اگر تشابهی بین مقاله‌ها بیابد که نشان‌دهنده تقلب باشد نام‌نویسنده را به عنوان مؤلف مشکوک به تقلب نشان‌دار می‌کند. با وجود راه‌اندازی سامانه‌هایی مشابه در سطح کشور،

فعال نیستند! امروز، ساده‌ترین راهکار مبارزه با تقلب علمی، استفاده از سامانه‌ها و نرم‌افزارهایی اینچنینی دانست. طبیعتاً کاربرد خرید و فروش پایان‌نامه را ناشی از مشکلات معیشتی اساتید خواهد بود. بر این اساس، حذف پایان‌نامه مقطع کارشناسی به عنوان راهکاری برای مبارزه با تقلب علمی را شاید بتوان طراحی خنده‌دار تلقی کرد.

در شرایطی که اهمیت مسئله پژوهش بر هیچ فردی پوشیده نیست و یکی از ایرادات معروف و همیشگی لایحه بودجه دولت‌ها، سهم ناچیز اعتبارات پژوهشی در متن آن است، آیا مبارزه سازمان‌یافته برای ریشه‌کن کردن تنها پژوهش جدی دانشجویان دوره کارشناسی را باید اقدامی در جهت خدمت به جامعه علمی کشور تلقی کرد؟ روشن است که دادن پاسخ مثبت به این سؤال، حداقل، اصلاً ساده نیست! با این حال، هم‌اکنون، طرح مذکور در حال بررسی برای نهایی شدن است. جادارد پیش از نهایی شدن چنین طرحی، مسئولان محترم بار دیگر در زوایای مختلف آن در رنگ نموده، صورت مسئله را بار دیگر مرور کنند. اگر قرار است با تقلب علمی مبارزه کنیم، راه حل آن، در حذف یکسره پژوهش علمی از برنامه درسی دانشجویان نیست! لطفاً کمی دست‌نگه دارید

یا حداقل، اجرایی شدن این تصمیم را به خود دانشگاه‌ها بسپارید. جود پایان‌نامه کارشناسی در بسیاری از رشته‌ها، مفید و تحرک‌آفرین است.

حرف استاد

وای از آن روز که بگذرد نمک!

سال گذشته وزارت بهداشت با اساتید و مؤلفان مقالاتی که بنا به ادعای مجله نیچر در آن تخلف و تقلب رخ داده بود، برخورد کرد. برخی را اخراج و برخی دیگر را تنزل درجه داد.

همچنین در سال‌های گذشته به‌طور مداوم مسئولان وزارتین بهداشت و علوم در مورد این موضوع صحبت کرده‌اند که چگونه می‌توانند مقابل تقلب

علمی و پدیده مقاله و پایان‌نامه‌فروشی بایستند و با این موضوع برخورد کنند!اما حال این موضوع به مرحله جالب‌تری رسیده‌است!

موضوع وقتی جالب می‌شود که مسئله تقلب از اساتید یا دانشجویان خرد فراتر رفته به سطح اول کشور رسیده است به طوری که این روزها در د مورد مدرک تحصیلی عالی‌ترین مقام اجرایی کشور تردید و ابهام وجود دارد.

طبق بررسی‌های صورت گرفته توسط تیمی از دانشجویان مستقل از گروه‌های سیاسی خارج از کشور پایان‌نامه دکتری ریاست قوه مجر به دارای قسمت‌هایی است که از دیگر منابع تحقیقاتی بدون ذکر منبع کپی شده است و اگر این موضوع به تازید دانشگاه گلاسکو برسد به معنی تقلبی بودن آن پایان‌نامه

و بی‌اعتباری‌اش است.

حال برگردیم به سطح جامعه علمی کشور یعنی دانشجویان یا اساتیدی که برای گرفتن مدرک یا ارتقای علمی نیاز به دادن مقاله دارند و برخی از آنان به‌جای انجام پژوهش علمی دست به تقلب یا خرید مقاله می‌زنند که باید جلوی آنها گرفته و با آنان برخورد شود.

سؤال اصلی اینجا به‌وجود می‌آید که چه کسی یا چه نهادهی قرار است با این موضوع برخورد کند؟ اگر دولت نخواهد جلوی این مسئله را بگیرد اول از همه باید سراغ رئیس دولت برود!اگر هر نهاد دیگری هم نخواهد مقابل مسئله تقلب علمی بایستد نیز باید همین کار را کند که تاکنون چنین نشده است پس باید گفت وای از آن روز که بگذرد نمک!

روایت دانشجویی



۳۵۰ تا تک تومن هم شد پول؟

سمیه عظیمی

بچه خوابگاهی بود، بچه‌های می‌گفتند از آنهاست که دست روزگار نقطه پرگار زندگی‌شان را اندکی پایین‌تر از خط فقر میخ کرده است. البته همه آنها که هم‌اتاقی یا هم‌ساختمانی‌اش بودند وضع و روزگارشان بد نبود، بعضی‌ها فقط به این خاطر خوابگاه‌ها را انتخاب کرده بودند که امنیت داشته باشند.

ناهار دانشگاه ا نصفه نیمه، نیم‌خور می‌کرد و بعد هم پاکتی، ظرف یک‌بار مصرفی یا از این وسایل پلاستیکی مخصوص فریزر بگیر می‌آورد و باقی‌مانده‌اش را درونش می‌ریخت. می‌گفت کیف است، اسراف است و با خودش می‌برد. دور میز که می‌نشستیم نهار بخوریم حواسم را جلب می‌کرد، گل ریز یا خودش در حال گفت‌وگو بود، ریز ریز. گاهی هم سری تکان می‌داد. هم‌کلاسی‌ام بود اما دوست‌انه! اینکه می‌توانستم سر من ناهار هم بینش‌م به خاطر این بود که با دوستان من دوست بود و بالطبع سر میز ناهارخوری دانشگاه کنار ما می‌نشست.

ذهنم را درگیر کرده بود؛ یعنی پشت این ریزریز گفتن‌ها چیست؟ نه آدم فزولی بودم و نه می‌توانستم جلوی این همه کنجکاو‌ی را که «فرزانه» سسر راهم می‌ریخت بگیرم. با من بود؟ این اولین سؤالی بود که از او پرسیدم تا ببینم میان حرف‌های درونی‌اش چه جوابی برای من دارد! در واقع او فقط اندکی سدایش بالاتر رفته بود و چون این بار من به او نزدیک‌تر نشسته بودم شنیدم. سؤال حقیقتاً عمدی و مثلاً غیر عمدی من بایی شد برای دوستی با فرزانه.

بچه شمال بود، این را نمی‌گفت هم می‌توانستم بفهمم، از آن بینی کشیده و لب‌های باز و لجه‌ها غلیظ... دو تا خواهر دولولی از خودش کوچک‌تر هم داشت و پدر و مادری که خرج دانشگاه آزاد برای‌شان بس بود و بهتر بود که فرزانه اندکی در خرج و مخارج غیر از شهریه کمک‌شان می‌کرد.

قصه گفتن‌هایش شروع شد؛ قصه‌های پر غصه. آنقدر قصه‌هایش را شنیدم تا به ماجرای ناهار سر میز رسیدم. اینکه در شهرشان تخم مرغ را نباید بخردند و مرغ‌های خانه‌شان هر صبح به عدد کفایت، تخم می‌کنند و حداقل خرج یک وعده روزهانه را به پدرش می‌بخشند.

من تازه الان فهمیدم گاهی که فرزانه را سر میز نمی‌دیدام برای این بوده که او چندتابی تخم مرغ از شهرستان‌شان می‌آورده تا لازم نباشد همین اندک مبلغ غذای دانشگاه را هم برای ناهار بپردازد. می‌گفت همین ۳۵۰ تومن ناهار می‌شود و حداقل وعده ناهار و شام تخم مرغ!

سسر می‌نشستم‌ام و فرزانه نشست دستم به سمت غذا نمی‌رود. هیچ وقت فکرش را هم نمی‌کردم به ۳۵۰ تا تک تومن فکر کنم!

اساسی در نظام آموزش عالی است. تحولی که پیش‌نیازهای آن قبل از این آماده شده، ولی دولت تمایلی به تکمیل کردن آن ندارد.

ما از زمان طرح بحث نقشه جامع علمی کشور افزایش احتمال جذب این افراد، می‌گویید: «بنا بر افزایش احتمال جذب این افراد، همراه با صدور مجوز رشته‌های مختلف، تعداد پذیرش هم زد شود تا جلوی افزایش بی‌رویه گرفته شود. مسئله دیگری که می‌توان در همین زمینه به آن اشاره کرد، «طرح کارورزی» است که طرح آن به آذرماه ۹۴ برمی‌گردد ولی در کوران رقابت‌های انتخابی، دوباره بر جسته‌شد. خلاصه طرح این‌است که قرار

است هم‌زمان، فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بیکار یا نیمه‌بیکار شوند. متقاضی نیرو در سایت اینترنتی مربوط به طرح ثبت نام کنند. سپس واحدهای پذیرنده کارورزان با بررسی رزومه‌افراد ثبت نام کنند، از آنها برای طی یک دوره کارورزی چهار تا شش‌ماهه دعوت خواهند کرد. حقوق پرداختی به افراد دعوت شده، ماهانه یک سوم حقوق مصوب وزارت کار در سال جاری (حدود ۳۱۰ هزار تومان) خواهد بود. ضمناً واحدهای پذیرنده، هیچ تضمینی برای

به‌کارگیری دائمی کارورزان نمی‌دهند. علاءالدین ازوجی مدیرکل دفتر سیاست‌گذاری و توسعه اشتغال وزارت کار اخیراً در همین زمینه گفته است: «براساس گزارش‌های دریافتی ما از اجاز می‌حسوب می‌شوند. چاره کار در شکل‌گیری تحولی

کارورزان از سوی کارفرمایان جذب واحد مربوطه شدند.» وی با بیان اینکه در قالب اجرای طرح کارورزی اشتغال سالانه ۱۵۰ هزار فارغ‌التحصیل بیکار هدف‌گذاری شده است، می‌گوید: «بنا بر افزایش احتمال جذب این افراد، می‌اندگاری آنها مجوز رشته‌های مختلف، تعداد پذیرش هم زد شود تا جلوی افزایش بی‌رویه گرفته شود. مسئله دیگری که می‌توان در همین زمینه به آن اشاره کرد، «طرح کارورزی» است که طرح آن به آذرماه ۹۴ برمی‌گردد ولی در کوران رقابت‌های انتخابی، دوباره بر جسته‌شد. خلاصه طرح این‌است که قرار است هم‌زمان، فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بیکار یا نیمه‌بیکار شوند. متقاضی نیرو در سایت اینترنتی مربوط به طرح ثبت نام کنند. سپس واحدهای پذیرنده کارورزان با بررسی رزومه‌افراد ثبت نام کنند، از آنها برای طی یک دوره کارورزی چهار تا شش‌ماهه دعوت خواهند کرد. حقوق پرداختی به افراد دعوت شده، ماهانه یک سوم حقوق مصوب وزارت کار در سال جاری (حدود ۳۱۰ هزار تومان) خواهد بود. ضمناً واحدهای پذیرنده، هیچ تضمینی برای

تبدیل شدن به بحران گام برمی‌دارد که جناب رئیس‌جمهور در کسوران رقابت‌های انتخابی

سال ۹۲ گفته بود یکی از اولین برنامه‌های وی، حل مشکل اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی است. برای متخصصان این عرصه، روشن است که مسائلی چون تعدیل پذیرش دوره دکتری، طرح کارورزی و جذب فارغ‌التحصیلان در جایگاه هیئت علمی، مرهم‌های کوچکی برای چنان‌زخم عظیمی محسوب می‌شوند. چاره کار در شکل‌گیری تحولی روز، عمیق و عمیق‌تر خواهد شد.

